

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دپ های (خطوط) ایران باستان

پژوهش و نگارش: دهیویت و نداد (علی رضاپور)

آذر ۱۳۹۲ خورشیدی

موردال ما ۱۵۸۷ گیلکی

دروود خدواند بر محمد و اشو خاندانش

سپاس مر خدای را که آدمی را خرد و اندیشه بخشید و بر دیگر آفریدگان برتری داد، خوشا آنکه از این دهش های اهورایی در راه پاکی و راستی بهره برد و جهان را با دانش خویش آباد و شادان گرداند. من از این روی به نگارش این جستار^۱ دست زدم که ایرانیان ارزش خویش و واهشته های^۲ خویش نشناسند. این جستار را گامی نتوان شمرد برای آگاه سازی ایرانیان از داشته ها و واهشته های خویش. این جستار را نگاشتم که مردمان چه بسا ایرانیان دبیره^۳ کنونی ما را تازی^۴ نخوانند و بدانند که تازی ها دبیره ای از خود نداشتند.

آری این دبیره، دبیره ای ایرانیست و تازیان از ما آموخته اند. چگونه این دبیره را تازی می خوانید گونه ای که در نوخ^۵ اسلام در سرتاسر سرزمین تازیان تنها هفت تن دانش نوشتن و خواندن داشتند - که یک تن مولا علی (ع) بود - و با دبیره ای آشنا نبودند. در آن زمانی که هاتا^۶ پیامبر را دروغ^۷ می بستند که قرآن تو از خدا نیست و از ایرانیان آموخته ای. تازیانی که تا این اندازه با نوشتن و دبیره و دانش بیگانه بودند چگونه این دبیره ی ایرانی را خودمان به نام آن ها بزنیم.

دبیره های ایرانی:

در ایران باستان دبیره های بسیاری داشتیم که بسیاری را ویژه ی کاری به کار می بردند و من در اینجا نخست آنان را نام می برم و سپس یک به یک زند^۸ و نگیزش^۹ می دهم. آن دسته از دبیره هایی که واج های آنها را یافته اند زیگ^{۱۰} واج های آنان را نیز می آورم.

۱- دیپ میخی پارسی

۲- دبیره (خط) اوستایی یا دین دبیره

۳- دبیره ی پهلوی

۴- آم (هام) دبیره

۵- گشتگ دبیره

۶- دبیره ی پارسی

۷- دبیره ی مانوی

۸- نیم گشتگ دبیره

۹- وَش (یا ویسپ) دبیره

۱۰- شاه دبیره

۱۱- دبیره ی سغدی

۱۲- فرورد دبیره

۱۳- راس دبیره

۱۴- کده همار دبیره

۱۵- آگران همار دبیره

۱۶- راز دبیره

۱۷- داد دبیره

۱۸- شهر همار دبیره

۱۹- گنج همار دبیره

۲۰- روانگان همار دبیره

۲۱- آهر همار دبیره

۲۲- دبیره ی اور خون

این دبیره ها چندی از دبیره های ایرانی هستند که یک به یک هُزوار^{۱۱} خواهم داد:

دبیره (هخامنشی) میخی پارسی:

این دبیره آنچنان که گفته میشود از دبیره های میخی کشورهای میانرودان^{۱۲} و دبیره میخی اکدی گرفته شده و چنانکه دبیره میخی اکدی نیز از دبیره میخی سومری های آریایی تبار و ایرانی گرفته شده است. در هر روی این دبیره ی کنونی از دیگر دبیره های میخی بسیار زیبا تر و آسان تر است و به دستور داریوش بزرگ ساخته شده است. گرچه بر پایه سخن داریوش در سنگنبشته اش در بیستون پیش از ساختن این دبیره، دبیره ی دیگری در میان ایرانیان رواگ^{۱۳} داشته که آن را دبیره ی آریایی خوانده، این دبیره می بایست مادر دبیره های اوستایی و پهلوی و پارسی کنونی ما باشد.

«داریوش شاه گوید به خواست اهورامزدا این کتیبه را (به میخی) بنا نهادم، وانگهی (به جز این)، به الفبای آریایی، و هم بر روی لوح گلین و هم بر روی پوست (چرم). گذشته از این ...» [سنگنبشته ی

بیستون- بند ۲۰، ۸۸-۹۲]

دبیره میخی هخامنشی دارای ۳۶ واج و ۲ واژه جداکن، ۸ اندیشه نگار و نشانه هایی هم برای نشان دادن موریکان^{۱۴} که تنها برخی به جای مانده است. این دبیره ایی هجایی است و هر یک از واج ها - به جز ۳ واج که برای نشان دادن واج های سِدادار^{۱۴} به کار می رود- سداپی هم همراه دارد (دارای مصوت است). واژه ها و سَهمان^{۱۵} ها از چپ به راست نگاشته میشود و پس از هر واژه یک واژه جداکن میگذارند_____د.

خط میخی پارسی

الفبای میخی پارسی

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣	𐎤	𐎥	𐎦
𐎧	𐎨	𐎩	𐎪	𐎫	𐎬	𐎭
𐎮	𐎯	𐎰	𐎱	𐎲	𐎳	𐎴
𐎵	𐎶	𐎷	𐎸	𐎹	𐎺	𐎻
𐎼	𐎽	𐎾	𐎿	𐏀	𐏁	𐏂
𐏃	𐏄	𐏅	𐏆	𐏇	𐏈	𐏉
𐏊	𐏋	𐏌	𐏍	𐏎	𐏏	𐏐
𐏑	𐏒	𐏓	𐏔	𐏕	𐏖	𐏗

نموداری Idéogrammes.

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣	𐎤	𐎥	𐎦	زمین
𐎧	𐎨	𐎩	𐎪	𐎫	𐎬	𐎭	خشای تویی
𐎮	𐎯	𐎰	𐎱	𐎲	𐎳	𐎴	بومش
𐎵	𐎶	𐎷	𐎸	𐎹	𐎺	𐎻	شاه
𐎼	𐎽	𐎾	𐎿	𐏀	𐏁	𐏂	خدا
𐏃	𐏄	𐏅	𐏆	𐏇	𐏈	𐏉	بگ
𐏊	𐏋	𐏌	𐏍	𐏎	𐏏	𐏐	کشور دهیاوش
𐏑	𐏒	𐏓	𐏔	𐏕	𐏖	𐏗	اورمزداها
𐏘	𐏙	𐏚	𐏛	𐏜	𐏝	𐏞	اورمزدا
𐏟	𐏠	𐏡	𐏢	𐏣	𐏤	𐏥	علامات جدا کردن کلمات از یکدیگر

زیگی دیگر به همراه موراک^{۱۶} های میخی:

علامت های خط میخی پارسی باستان

u	i	u	k ^a	k ⁱ	x ^a	g ^a	g ⁱ	c ^a
j ^a	j ⁱ	d ^a	d ⁱ	d ^a	t ^a	t ⁱ	θ ^a	c ^a
n ^a	n ⁱ	p ^a	r ^a	b ^a	m ^a	m ⁱ	m ^a	y ^a
r ^a	r ⁱ	l ^a	v ^a	v ⁱ	s ^a	g ^a	z ^a	h ^a

<i>xšayāršya</i> "king"	<i>bamiš</i> "earth"	<i>dahyānš</i> "country"

<i>baga</i> "god"	<i>Auramazda</i> <i>Ahura Mazda</i>	

1	2	3	4	10	20	30	40	100

اگر چه شایان^{۱۷} است موراک نویسی ها به چند گونه می بوده چرا که من پیش تر شیوه موراک نویسی

میخی را به گونه ای دیگر دیده بودم.

چند دیبای میخی:

داریوش : تخت جمشید

Handwritten cuneiform text in the top left column, numbered 21 to 24.

داریوش : نقش رستم

Handwritten cuneiform text in the top left column, numbered 25 to 32.

داریوش : تخت جمشید

Handwritten cuneiform text in the top right column, numbered 31 to 36.

Handwritten cuneiform text in the top right column, numbered 37 to 40.

داریوش : نقش رستم

Handwritten cuneiform text in the bottom left column, numbered 33 to 49.

داریوش : نقش رستم

Handwritten cuneiform text in the bottom right column, numbered 41 to 54.

در خط میخی فارسی باستان علامت‌های ذیل بجای برخی واژه‌ها بکار رفته:

بجای آه زمه ژدا. "آرزو"	𐎠𐎠𐎠𐎠
	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
بجای خشا ای شوی. "شاه"	𐎠𐎠𐎠𐎠
بجای دَهی ای اَه. "دهییر"	𐎠𐎠𐎠
	𐎠𐎠𐎠𐎠
بجای دَک. "میخ"	𐎠𐎠
بجای دَومَید. "بوم"	𐎠𐎠𐎠

نمونه رقم‌های خط فارسی باستان:

𐎠	یک	𐎠	شش
𐎠𐎠	دو	𐎠𐎠𐎠	هفت
𐎠𐎠𐎠	سه	𐎠𐎠𐎠𐎠	هشت
𐎠𐎠𐎠𐎠	چهار	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	نُه
𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	پنج	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	ده
𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	شش	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	یازده
𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	هفت	𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	بیست و شش
𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠	هشت		

این رقم‌های ساده نشان میدهند که شمارش دهگانه در دوره پیش از ساسانی در ایران رایج داشته.

داربوش: نقش رستم

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (50) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (51) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (52) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (53) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (54) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (55) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (56) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (57) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (58) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (59) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠
 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠 (60) 𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠

چند نمونه از نوشتارهای میخی:

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: دودمان

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: سرای

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: آریا

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: پارسی

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: اسپن گش، اسپاتا کا (جاسوسی، خبرچینی، غیبت)

𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠𐎠: تیگره، دجله (قند و تیز)

وَدیشَناف (نا آگاه): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

دهیویت (دهیو + پت: کشور بُد): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

بَشَنه، بَشَنان (قامت): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

سِوگ، سِوگ (یتیم): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

نَئِبَه (نیو، شجاع، دلیر): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

وَرَم (موج): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

سَهیگ (مهم، ارزشمند): 𐎠𐎡𐎢𐎣 𐎤𐎥𐎦𐎧 𐎨𐎩𐎪𐎫 𐎬𐎭𐎮𐎯

دین دبیره (یا دبیره ی اوستایی)

این دبیره را می توان سپور^{۱۸} ترین دبیره های ایران باستان دانست چرا که افزون بر زیبایی آن واج های آن چون دبیره پهلوی چنداویی نیستند و تنها نمایانگر یک واج است. در این دبیره واج های سدادار را نیز در دیپ درون کرده اند. ساختن این دیب را به دوران ساسانی و در سده های چهارم یا ششم ترسایی^{۱۹} میدانند، ولی بایست کهنتر از این دوران باشد. در هر روی این دبیره با پهلوی خویشاوند است و می بایست ریشه در همان دبیره ای که داریوش بزرگ آن را دبیره ی آریایی خوانده داشته باشند. از واکاوی بیش از اندازه ی آن می گذریم و به دبیره می پردازیم.

این دبیره دارای ۴۸ واج است و همان گونه که گفتم واج‌های سدادار نیز بخشی از گپ‌های^{۲۰} دبیره است. این دبیره گسسته (و گاهی پیوسته) و از راست به چپ نوشته می‌شود.

اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین	اوستایی	لاتین
𐎠	b	𐎡	f	𐎢	δ	𐎣	h
𐎤	p	𐎥	k	𐎦	r	𐎧	y
𐎨	t	𐎩	g	𐎪	z	𐎫	y
𐎬	t̥	𐎭	m	𐎮	ž	𐎯	ŋ
𐎱	θ	𐎲	n	𐎳	s	𐎴	ŋ́
𐎶	j	𐎷	ɲ	𐎸	š	𐎹	h
𐎺	c	𐎻	w	𐎼	š́	𐎽	x ^w
𐎿	x	𐏀	w	𐏁	ṧ		
𐏃	d	𐏄	β	𐏅	γ		

دین دبیره در نگاه‌های دیگر:

شماره	نویسه‌ی اوستایی	پارسی	اوانگاری	شماره	نویسه‌ی اوستایی	پارسی	اوانگاری
۱	𐬀	ا	a	۲۵	𐬀	ط	th
۲	𐬁	ا	â	۲۶	𐬁	پ	p
۳	𐬂	!	e	۲۷	𐬂	ف	f
۴	𐬃	! (کشیده)	ē	۲۸	𐬃	ب	b
۵	𐬄	واکه‌ی ر بوده	aw	۲۹	𐬄	و	w
۶	𐬅	ر بوده‌ی کشیده	aw	۳۰	𐬅	ن	n
۷	𐬆	ا	o	۳۱	𐬆	ن	n
۸	𐬇	ا (کشیده)	ō	۳۲	𐬇	ن	n
۹	𐬈	او	ou	۳۳	𐬈	م	m
۱۰	𐬉	آن	an	۳۴	𐬉	ن م	nm
۱۱	𐬊	ای	i	۳۵	𐬊	ی	y
۱۲	𐬋	ای (کشیده)	i	۳۶	𐬋	ی	y
۱۳	𐬌	او	u	۳۷	𐬌	و	v
۱۴	𐬍	او (کشیده)	ū	۳۸	𐬍	و	v
۱۵	𐬎	ک	k	۳۹	𐬎	ر	r
۱۶	𐬏	خ	x	۴۰	𐬏	س	s
۱۷	𐬐	گ	g	۴۱	𐬐	ز	z
۱۸	𐬑	غ	q	۴۲	𐬑	ش	š
۱۹	𐬒	ج	c	۴۳	𐬒	ش	š
۲۰	𐬓	ج	j	۴۴	𐬓	ش	š
۲۱	𐬔	ت	t	۴۵	𐬔	ز	z
۲۲	𐬕	ث	s	۴۶	𐬕	ه	h
۲۳	𐬖	د	d	۴۷	𐬖	ط	hv
۲۴	𐬗	ذ	z	۴۸	𐬗	ط	xv

چند دیبا^{۲۱} اوستایی:

د وینا^۱ وینا^۲ وینا^۳ وینا^۴ وینا^۵ وینا^۶ وینا^۷ وینا^۸ وینا^۹ وینا^{۱۰} وینا^{۱۱} وینا^{۱۲} وینا^{۱۳} وینا^{۱۴} وینا^{۱۵} وینا^{۱۶} وینا^{۱۷} وینا^{۱۸} وینا^{۱۹} وینا^{۲۰} وینا^{۲۱} وینا^{۲۲} وینا^{۲۳} وینا^{۲۴} وینا^{۲۵} وینا^{۲۶} وینا^{۲۷} وینا^{۲۸} وینا^{۲۹} وینا^{۳۰} وینا^{۳۱} وینا^{۳۲} وینا^{۳۳} وینا^{۳۴} وینا^{۳۵} وینا^{۳۶} وینا^{۳۷} وینا^{۳۸} وینا^{۳۹} وینا^{۴۰} وینا^{۴۱} وینا^{۴۲} وینا^{۴۳} وینا^{۴۴} وینا^{۴۵} وینا^{۴۶} وینا^{۴۷} وینا^{۴۸} وینا^{۴۹} وینا^{۵۰} وینا^{۵۱} وینا^{۵۲} وینا^{۵۳} وینا^{۵۴} وینا^{۵۵} وینا^{۵۶} وینا^{۵۷} وینا^{۵۸} وینا^{۵۹} وینا^{۶۰} وینا^{۶۱} وینا^{۶۲} وینا^{۶۳} وینا^{۶۴} وینا^{۶۵} وینا^{۶۶} وینا^{۶۷} وینا^{۶۸} وینا^{۶۹} وینا^{۷۰} وینا^{۷۱} وینا^{۷۲} وینا^{۷۳} وینا^{۷۴} وینا^{۷۵} وینا^{۷۶} وینا^{۷۷} وینا^{۷۸} وینا^{۷۹} وینا^{۸۰} وینا^{۸۱} وینا^{۸۲} وینا^{۸۳} وینا^{۸۴} وینا^{۸۵} وینا^{۸۶} وینا^{۸۷} وینا^{۸۸} وینا^{۸۹} وینا^{۹۰} وینا^{۹۱} وینا^{۹۲} وینا^{۹۳} وینا^{۹۴} وینا^{۹۵} وینا^{۹۶} وینا^{۹۷} وینا^{۹۸} وینا^{۹۹} وینا^{۱۰۰}

۲۶۷

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

چند واژه به دبیره ی اوستایی:

پاسد: ایران - سوز: شوز، شوز، مقدس - و - (س) - سنوهان، جو - (س) - شتاه، برکت

س - (س) - پتودن، صبر کردن، تحمل کردن - (س) - رُودستاگ، ایالت -
س - (س) - پشامیدن، رهبری و راهنمایی کردن - (س) - نیشام، ابهام - س - پادبارگ، رشوه.

دبیره ی پهلوی

از دیگر دبیره های ایران، دبیره پهلویست. این دبیره هم به گونه پیوسته (برای نسک^{۲۲}) و هم به گونه ی گسسته (سنگنبشته ای^{۲۳}) کاربرد داشت. این دبیره ۱۴ واجی (و ۲۴ واجی) دارد و از راست به چپ نوشته می شود. در آن واج آنبازی^{۲۴} و هنزوارش بوش^{۲۵} ندارد. گرچه در تیل^{۲۶} دار بودن این دبیره میتوان گفت که گونه ای نگارشی از آن است چرا که این دبیره ها در بسیاری از واج ها یکسانند و به ویژه^{۲۷} ریشه و بن این دبیره ها یکسانست ازیراک^{۲۸} که هم واج ها را با تیل و هم بدون تیل داشته ایم.

خ x h د	گ-ک ک و/ق	آ-ا a-ā)
ه h h د	ر-ل l)	ب b b ل
گ g g و/ر	م m m ؤ	ی y y و/ر
ج j y و/ر	س s s و/و	و w w ا
د d d و/ر	ف-پ f-p پ	ز z z ی
ر r r ا	ش š š و/د	ز/چ z-č c ء
ن n n ا	نها در هزوارتها E ؤ	ت-د t-d t م
ا نشان دهنده اخر کلمه		

دانشوران در این زبان ها و دبیره های باستانی همه ی دبیره های ایران به جز میخی را از دبیره پهلوی میدانند، ولی در فرهنگ دهخدا بسیاری از دبیره های ایران به جز اوستایی و پهلوی را گونه ای از شیوه ی نگارش هام دبیره گفته است. (در دنباله در بخش هام دبیره به آن خواهیم پرداخت)

iran.dahyupat@gmail.com

آ-ا	ا	ن	ف	ک	و
ب	ب	ر	ل	گ	قا
پ	پ	ز	ی	ل	لا
ت	ت	ث	ث	م	س
ج	ج	س	ر	ن	م
چ	چ	ش	س	ه ها	پد
خ	خ	غ	ع	و-او	ا
د	د	ف	ف	ی-ای	و:

دبیایی از پهلوی:

رها افرسا و ساسو ادا کخواد ر سلاا سسه سلاا او س سلاا
 سلاا سلاا او سوس . کخواد ر سلاا ر سوسا و سلاا سسه
 سلاا ک او س او سوس له له سلاا سلاا له و سوسا سلاا
 ا سلاا ک او س سلاا له له سلاا سلاا له و سوسا سلاا .

چندواژه ی به دبیره ی پهلوی:

۳۱۳: شیطان، ستان، ساتان

۳۱۴: تصویر، تبنگ

۳۱۵: منع، تنجیش، تنجش

۳۱۶: سَهَن، ظاهر

۳۱۷: پَتِد، فشار

۳۱۸: پَژاگ، مضر

۳۱۹: ساگ، عدد، شماره

۳۲۰: پَسَرگ، مناسب

۳۲۱: پَخشگ، نغز

۳۲۲: مانگ، ذهن

۳۲۳: پَدماس، درک، فهم

۳۲۴: معصوم، ناگ

موراک نویسی در پهلوی

برای نگارش اعداد، نشانه‌های زیر به کار می‌رود :

ēk	1	—
dō	2	—
sč	3	— / —
čahār	4	—
pañ	5	—
šaš	6	—
haft	7	—
hašt	8	—
nō(h)	9	—
dah	10	—
yāzdah	(- - -) 11	—
wīst	20	—
wīst ud ēk	21	—
sīh	() 30	—
sīh ud ēk	31	—
čehel	40	—
čehel ud ēk	41	—
pañjāh	50	— / —
šast	60	—
haftād	70	— / —
haštād	80	—
nawad	90	—
ē sad / sad	100 و 1 × 100	— / —
dō sad	200 (2 × 100)	— / —
ē hazār / hazār	1000 و 1 × 1000	— / —
dō hazār	2000	—

هام دبیره

در فرهنگ دهخدا از این دبیره این گونه سخن رفته است:

«هام دبیره یک از خطوط هفتگانه ایرانیان پیش از اسلام است. حروف الفبای این خط به موجب آثاری که

در دست است از خط‌های دیگر ایران کمتر بوده و طبق تصریح ابن ندیم سی و سه حرف بوده است. زیرا

صداهایی را که دارای مخرج مشترک هستند با یک حرف مینوشتند. مثلاً برای آ، آ، ه، خ یک حرف به

کار می رفته است. این خط را ابن ندیم کتابت الرسائل یا نامه دبیره ذکر کرده است...»

در دنباله آمده است:

«... این خط با ۲۸ شیوه نوشته می شده و در زمان آذر خور که حمزه اصفهانی از او نقل کرده است نام

بسیاری از آن شیوه ها فراموش شده و فقط چند شیوه از آنها باقی مانده بوده است که عبارتند: دادبیره

برای احکام دادگستری، شهر آمار دبیره برای حساب های شهر، گنج آمار دبیره برای حساب های خزانه

، کده آمار دبیره برای حساب های کشور، آخور آمار دبیره برای حساب های استبل های شاهی، آتشان

آمار برای حساب های آتش، روانگان آمار برای حساب های اوقاف. [الفهرست ص ۲۱] [ایران کوده شماره

۸ ص ۱۳۶]»

در برخی از نسک ها این دبیره را دبیره ای بدون تیل نوشته اند که در آن پهلش^{۲۹} است.

در هر روی این دبیره را دبیره ای با ۳۳ واج میدانند. این دبیره پیوسته است و دبیره ای اِواری^{۳۰} و

فرماتاری^{۳۱} و همانا مردمی (در میان مردم و آم نیز به کار میرفت) بوده.

نون^{۳۲} در چَم^{۳۳} هام باید بگویم که هام هم به چم همه (و عام) است که تازی شده ی همین واژه پارسی

است (هام)، و هم با پَدیش^{۳۴} به سخن رفته شده در فرهنگ دهخدا که دبیره های داد دبیره، شهر آمار

دبیره و... را شیوه ای از نگارش هام دبیره خوانده پس میتوان با پَرگست^{۳۵} این ماناک^{۳۶} را به دست آورد

که هام دبیره شیوه نگارش همگانی^{۳۷} بوده و هام نیز به چم همگانی^{۳۸} بوده و هام دبیره به چم شیوه ی نگارش دبیره به شیوه ی همگانی.

باید پَرگست^{۳۹} داشت که آنچه در فرهنگ دهخدا آمده که این دبیره ۳۳ واج داشته و خود به زیر شاخه های نامبرده بَرخ^{۴۰} میگردد پس نمیتوان آنرا زیرشاخه ای از دبیره ی پهلوی دانست چرا که پهلوی ۱۴ واجی (بدون تیل) و پهلوی ۲۴ واجی (تیلدار) تنها گونه ای از سَرَتک^{۴۱} نگارشی اند و بر پایه دیگر در فرهنگ دهخدا و هاتا در فرهنگ معین به راستی هام دبیره را ۳۳ واجه خوانده اند پس زیگ زیر را که در بسیاری نسک ها هام دبیره خوانده اند هام دبیره نمی تواند باشد و تنها گونه ای از دبیره ی پهلوی است که در ماتیکان^{۴۲} نامه ی پهلوانی (آموزش دبپ و زبان پهلوی) نیز این زیگ را به نام دبیره ی پهلوی شناسانده است.

ا	آ	ا	ا	ا	ا
ب	ب	ب	ب	ب	ب
پ	پ	پ	پ	پ	پ
ت	ت	ت	ت	ت	ت
ث	ث	ث	ث	ث	ث
ج	ج	ج	ج	ج	ج
چ	چ	چ	چ	چ	چ
ح	ح	ح	ح	ح	ح
خ	خ	خ	خ	خ	خ
د	د	د	د	د	د

گشتک دبیره

دبیره ای برای نوشتن پیمان نامه ها، نامه نویسی ها (شاید برای کارهای اواری و فرماتاری) و زدن

شِکِل^{۴۳} بوده که دو گونه پهلوانیگ (پارتی، اشکانی) و پارسیگ (پارسی، ساسانی) داشته است.

در فرهنگ معین این گونه آمده است:

«گویند ۲۸ حرف داشته و بدین حروف عهد و موثیق و اقطاع را می نوشتند و نقش شاهنشاهان پارس و طراز جامه و فرش و سکه دینار درهم را بدین دبیره مینوشتند. در ضمن ثبت کنندگان علوم، نجوم، طب و فلسفه را گشتک دفتران میخواندند.»

پس می توان گفت برای نوشتن دانش ها و دست کم دانش های نام برده، اخترشناسی، پزشکی و

خرددوشکیه، نیز از این دبیره بهره می جستند.



و زیگی دیگر برای دبیره ی گشتک:

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣	𐎤	𐎥	𐎦	𐎧	𐎨	𐎩	𐎪
[k, q]	[y, ð, ð̄, ð̅]	[t]	[h, x]	[ʰ, r]	[ʰ, r]	[h]	[d, y]	[a, y]	[b, w]	[a, ā]
𐎫	𐎬	𐎭	𐎮	𐎯	𐎰	𐎱	𐎲	𐎳	𐎴	𐎵
[t, d]	[ð]	[w, ʰ]	[q]	[ç, z]	[p, b, f]	[w, r]	[s, h]	[n]	[m]	[l, r]

𐎶	𐎷	𐎸	𐎹	𐎺	𐎻	𐎼	𐎽	𐎾	𐎿	𐏀
[k, q]	[y, ð, ð̄, ð̅]	[t]	[h, x]	[z, ʒ]	[w, ð, ð̄, ð̅]	[h]	[d, ð]	[a, y]	[b, w]	[a, ā]
𐏁	𐏂	𐏃	𐏄	𐏅	𐏆	𐏇	𐏈	𐏉	𐏊	𐏋
[t, d]	[ç, z]	[r]	[q]	[ð]	[p, b]	[r]	[a]	[n]	[m]	[l]

و چند دیپای گشتک:

سنگنوشته نخست از اردشیر بابکان در نقش رجب و دیگری از شاهپور اردشیران است در نقش رستم.

𐎧𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫
 𐎧𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫
 𐎧𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫𐎡𐎴𐎠𐎫

این پیکر مزدیسن، یغ اردشیر شاهنشاه ایران (است) که تژاد از ایزدان (دارد) پسر یغ بابک شاه.

𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹

این پیکر مزدیسن، بیغ شاهپور شاهنشاه ایران و انیران (غیر ایرانیان) است که
 تژاد از ایزدان (دارد) پسر مزدیسن بیغ اردشیر شاهنشاه ایران که تژاد از ایزدان (دارد)
 نوۀ بیغ بابک شاه.

www.dahyupat.loxblog.com

𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹

𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹

𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹
 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹 𐎧𐎠𐎡𐎹

زیگ بالا سه نپشته است که از هم با سمیره^{۴۵} ی آبی جدا گشته اند. این دبیره ۲۲ واج دارد که شایان است ۶ واج آن پیدا نشده باشد و از راست به چپ و گسسته می نویسند.

اکنون چند واج نا آشنا درون نبشته ها:

س:

در دیپای نخست این واج نیز آمده است که در زیگ واج ها نیامده است. در اوستایی گاهی «ی» بدین گونه نگاشته می گردد شاید (ی) بود گرچه من می پندارم که (ا) باشد.

این واج نیز در زیگ گشتک نیامده است.

در هر روی اینان می بایست از همان ۶ واج نیافته شده باشند.

دبیره پارتنی

این دبیره از دبیره های ایرانی است که گرچه در نام به چم همان پهلوی (پَرثَو، پَرَتَو، پارتنی: پَهَلَو) است ولی دبیره ای به جز آن است که در ایران رواگ داشته است. این دبیره نیز ۲۲ واج دارد و از راست به چپ می نگارند. گپ های آن را نیز در دوزیگ جدا می آورم.

۳. گونه های خط پارسی			
سفالینه های نا	چرم نوشته اورامان	آثار شهر دورا اورویوس	برابرهای حروف در خط فارسی
𐎠	𐎠	𐎠	ا
𐎡	𐎡	𐎡	ب
𐎢	𐎢	𐎢	پ
𐎣	𐎣	𐎣	د
𐎤	𐎤	𐎤	ه
𐎥	𐎥	𐎥	و
𐎦	𐎦	𐎦	ز
𐎧	𐎧	𐎧	ح
𐎨	𐎨	𐎨	ط
𐎩	𐎩	𐎩	ی
𐎪	𐎪	𐎪	ک
𐎫	𐎫	𐎫	ل
𐎬	𐎬	𐎬	م
𐎭	𐎭	𐎭	ن
𐎮	𐎮	𐎮	س
𐎯	𐎯	𐎯	پ
𐎰	𐎰	𐎰	ق
𐎱	𐎱	𐎱	ر
𐎲	𐎲	𐎲	ش
𐎳	𐎳	𐎳	ت

الفبای پارسی (کتیبه ای)	
پارسی	برابرهای حروف در خط فارسی
𐎠	ا
𐎡	ب
𐎢	پ
𐎣	د
𐎤	ه
𐎥	و
𐎦	ز
𐎧	ح
𐎨	ط
𐎩	ی
𐎪	ک
𐎫	ل
𐎬	م
𐎭	ن
𐎮	س
𐎯	پ
𐎰	ق
𐎱	ر
𐎲	ش
𐎳	ت

دبیره مانوی

این دبیره را می توان از ساخته های مانوی و پیروانش دانست که دبیره ای زیبا و سپور است. مانوی برای گسترش دین نوین خود نیاز به دبیره ای داشت که کم و کاستی ها و دشواری های دبیره ی پهلوی را نداشته و خواندن آن نیز آسان باشد. هنایش^{۴۶} ها و یادگارهای به جا مانده از مانوی ها در دسته های ؛

سخن از آفرینش و سروده هایی در ستایش خداوند، نیایش ها و اندرزهاست. بدین روی آنان دبیره ای ساختند آسان و زیبا که در آن هُزوارش^۷ نیز نداشته. واج ها همچون پهلوی چندهجایی نبودند و تنها نامایانگر یک هجا بودند (یک ارزش آوایی داشتند). این دبیره که که دبیره کنونی ما نیز وام دار آن است ۳۲ واج دارد و از راست به چپ گسسته (و شاید نیز پیوسته) نوشته می شود.

𐎱 = p	𐎠 = h	𐎡 = ɔ
𐎰 = f	𐎡 = t	𐎠 = b
𐎠 = c	𐎡 = y	𐎠 = β
𐎡 = j	𐎠 = k	𐎡 = g
𐎡 = q	𐎡 = x	𐎡 = γ
𐎡 = r	𐎡 = l	𐎡 = d
𐎡 = ʃ	𐎡 = ʒ	𐎡 = b
𐎡 = ʃ	𐎡 = m	𐎡 = w
𐎡 = t	𐎡 = n	𐎡 = u
	𐎡 = s	𐎡 = z
	𐎡 = c	𐎡 = ʒ

الفبای مانوی

حروف الفبای کتونی	حروف الفبای مانوی	حروف الفبای کتونی	حروف الفبای مانوی
ا	𐎠	𐎠	𐎠
ب	𐎡	𐎡	𐎡
پ		𐎢	𐎢
ت		𐎣	𐎣
ث	𐎤	𐎤	𐎤
ج		𐎥	𐎥
چ	𐎦	𐎦	𐎦
ح		𐎧	𐎧
خ	𐎨	𐎨	𐎨
د	𐎩	𐎩	𐎩
ذ		𐎪	𐎪
ر	𐎫	𐎫	𐎫
ز		𐎬	𐎬
س	𐎭	𐎭	𐎭
ش		𐎮	𐎮

نیم گشتک دبیره

شاید گونه ای از گشتک دبیره باشد در هر روی در چند بن مایه ی دیگر بدین گونه گفته شده است که

دبیره ای با ۲۸ واج بوده و برای اخترشناسی ، پزشکی و خرددوشکیه نیز از این دبیره بهره می بردند.

می توان اینگونه گفت که شیوه ی نگارشی بوده از گشتک برای دانش های نامبرده و در شکل ها و پیمان

نامه ها و ... از شیوه نهادین آن (گشتک دبیره) به کار می بردند.

وش (ویسپ) دبیره

دبیره ای فراخ^۸ بوده با ۳۶۵ واج که همه ی آواها و آهنگ های خیم (کیاناد)^۹ و هاتا برای نگارش وین^{۱۰} از این دیب بهره مند میشدند. سپس ایرانیان از روی همین دبیره هفت گپواره^۱ وین را نوآوری کرده و ساختند.

شاه دبیره

در نزد شاهان ایران کاربرد داشته و مردم (آم) هذّه (هوده)^۲ یادگیری آن را نداشتند تا کسی از راز های شاه و نوشته های پنهانی شاه چیزی در نیابد. شاه با این دبیره رازها و گفته های پنهانی خود را می نوشته است.

دبیره سغدی

همانگونه که از نام آن پیداست دبیره ای بوده که در سغد (تاجیکستان و سرزمین های خاوری ایران) کاربرد داشته به دست مردمان آن بوم ساخته شده است. سغد سرزمینی در آسیای میانی و مردم سغد مردمانی ایرانی (که تخارها نیز از تبار آنها بودند) که پایتخت (شهر مهادین) آنها سمرگند (سمرقند) بوده و هست. امروزه آنان را بیشتر به نام تاجیک می شناسیم. در هر روی دبیره ی سغدی دبیره ای ایرانی است و بر پایه فرهنگ دهخدا دو گونه داشته که به پهلوی سنگنبشته ای (گسته) می مانست.

از واج‌های آن نمیدانم ولی بر این سخن رفته در غرهنگ دهخدا شایان است که دبیره ای گسسته بوده باشد.

فرورد دبیره

دبیره ای ویژه ی نامه نویسی و دبیری (نوشتن و نسکنویسی) بوده و می بایست در میان دبیران ایران کاربرد داشته باشد.

راس دبیره

برای نوشتن خرددوشکیه و فرنود^{۵۳} به کار می رفته است و دارای ۲۴ واج بوده است.

کده همار دبیره

دبیره ای بود برای مزداهییک (هنگارش، پدکِشگ)^{۵۴} و همار^{۵۵} های کشوری از آن بهره می برده اند که از شماره واج‌های آن نمیدانم.

آخور یا آهر آمار دبیره

برای نگارش همارهای آخورها و ستورگاه های شاهی (و شاید هم آنشاهی^{۵۶}) بهره می بردند.

راز دبیره

این دیب ۴۰ واج داشته است و برای رمز نویسی، نوشتن رازها و ترگومان^{۵۷} ها بوده که هیچ یک از واج های آن نپتی (نبطی) نبوده است. در جایی آمده است که پادشاه (شهنشاه ایران)، رازهای خود را برای مردم دیگر کشورها می نوشته است. (شاید شاهان دیگر کشورها)

داد دبیره

برای نگارش دستورها و فرمان های دادگستری بود. می بایست بیشتر در میان دادور^{۵۸} ها رواگ داشته بودست.

شهر آمار دبیره

برای نگارش همارهای شهری بوده ولی در جایی آمده که دبیره ی گنجور (و گنجینه دار) کشوری بوده است. در هر روی برای همارهزینه های شهری (و شاید هم سرشماری) به کار می رفته .

گنج همار دبیره

دبیره ی گنج ها و گنجینه ها بوده است. برای همار دن گنجینه های کشوری از این دیپ سود می بردند.

روانگان همار دبیره

دبیره ای برای همار های ورستاد^{۵۹} ها و روانگانه ها و وابسته ها بوده است. اندر روانگان بگویم که در ایران باستان از رسته^{۶۰} (تیخشود^{۶۱}) هفتم دبیران ایران بوده اند که کار آنها رسیدگی به ورستاد ها بود .

آگران همار دبیره

دبیره همار دن آتشگاه ها و شمارششان و شاید هزینه های آن ها بوده است.

دبیره ی اورخون

دبیره ای که تخار های آریایی ساختند (و دبیره ای جوان تر است) که ریشه در دبیره ی سغدی دارد. دارای ۳۸ واج است. گرچه پس نابودی و آمیزش تخارها با ترک ها و تاتار تبارهای آپاختری^{۶۲} شایان

است این دبیره دگر گونی هایی پیدا کرده باشد در هر روی همانندی فراوانی میان این دبیره با دیگر دبیره های آریایی یافته شده نیست.

بی صداها			صدا دارها	
Orkun		Latin	Orkun	Latin
Kalın	İnce			
𐎠	𐎡	B	𐎢	A - E
𐎣	𐎤	D	𐎥	I - İ
𐎦	𐎧	G	𐎨	O - U
𐎩	𐎪	K	𐎫	Ö - Ü
𐎬	𐎭	L	𐎮	É
𐎯	𐎰	N	واکلهای دوتایی	
𐎱	𐎲	R	Orkun	Latin
𐎳	𐎴	S	𐎵	IK - K - KI
𐎶	𐎷	T	𐎸	IÇ - Çİ
𐎹	𐎺	Y	𐎻	OK - UK
بکار رفته با همه واکهها			𐎼	ÖK - ÜK
Orkun	Latin		𐎽	LD - LT
𐎾	Ç		𐎿	NÇ
𐎿	M		𐏀	ND - NT
𐏁	P		𐏂	NG
𐏃	Ş		𐏄	NY
𐏅	Z		SÖZCÜK AYIRMA TAMGASI	
			:	

و این ها دیبیره هایی بود که زمانی در ایران به کار می رفتند و دیبیره ی پارسی کنونی ما که از این دیبیره های ایرانی گرفته شده است را به تازی هایی می چسبانند که از دیبیری^{۶۳} و دانش هیچ نمی دانستند چه برسد که دیبیره ای بسازند.

آلبن و غلوط باستان ایران
THE SCRIPTS OF IRAN

	خط سحر باسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	پارتی باستان PARTHIAN PAHLAVI	ساسانی باستان SASSANIAN PAHLAVI	پهلوی کهن BOOK PAHLAVI	ایستای AVESTAN		خط سحر باسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	پارتی باستان PARTHIAN PAHLAVI	ساسانی باستان SASSANIAN PAHLAVI	پهلوی کهن BOOK PAHLAVI	ایستای AVESTAN
Q ^m											
R	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	ر	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠
S	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	س	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡
T	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	ت	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢
U ^a	𐎣	𐎣	𐎣	𐎣	𐎣	او	𐎣	𐎣	𐎣	𐎣	𐎣
V.W ^a	𐎤	𐎤	𐎤	𐎤	𐎤	و	𐎤	𐎤	𐎤	𐎤	𐎤
X ^a											
Y	𐎥	𐎥	𐎥	𐎥	𐎥	ی	𐎥	𐎥	𐎥	𐎥	𐎥
Z	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	ز	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦
Ch	𐎧		𐎧	𐎧	𐎧	چ		𐎧	𐎧	𐎧	𐎧
Dh ^m											
Gh											
Kh	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	خ	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨
Sh	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	ش	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩
Th ^m	𐎪					ث					
Zh ^a											
A ^a	𐎧					ا	𐎧				𐎧
B	𐎨					ب	𐎨				𐎨
C ^a											
D	𐎢					د	𐎢				𐎢
E ^a											
F	𐎠					ف	𐎠				𐎠
G ^a	𐎡					گ	𐎡				𐎡
H	𐎣					ه	𐎣				𐎣
I ^a											
J	𐎤					ج	𐎤				𐎤
K	𐎥					ک	𐎥				𐎥
L	𐎦					ل	𐎦				𐎦
M	𐎧					م	𐎧				𐎧
N	𐎨					ن	𐎨				𐎨
O											
P	𐎩					پ	𐎩				𐎩

چه نیک است که ارزش این واهشته های خویش و بزرگترین واهشته خویش را به بیگانگان پیشکش نکنیم و ارج پیشینیانمان را بداریم چرا که از آنهاست که ما هستیم و اگر ما از آنها نگوئیم و به دیگران نشناسانیم بیگانگان این بایسته ی ما انجام ندهند که اکنون نیز از رشک ورزی آنهاست که داشته و

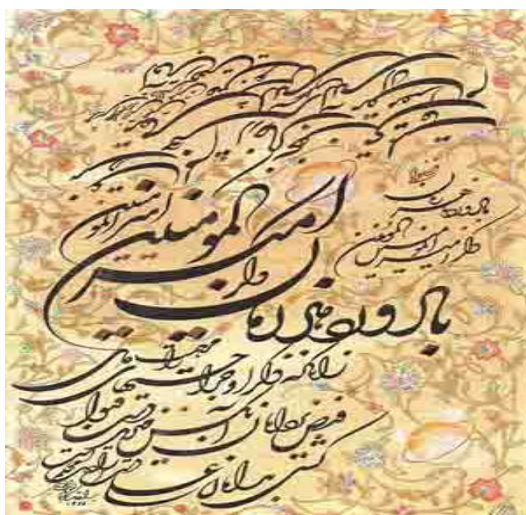
واهشته های ما را به خود و دیگران خوانند. در ورزش و پرهیختار^۶ و دانش و دانشمندان و ساخته ها و کرده های ما و هزاران چیز دیگر که یاد آنها برایشان سنگین است چرا که آن ها را به یاد بی گوهری و بی مایگی خود می اندازد .

فرجام یافت به شادی و رامش در آذر ماه هزار و سیصد و نود و دو خورشیدی و در موردال ماه هزار و پانصد و هشتاد و هفت گیلکی (دیلمی) ، به امید شکوه دوباره و باز پروری پیشینه و فرهنگ درخشان این مرز و بوم .

ایدون باد و ایدون تر باد .

علی رضاپور





یادداشت ها:

۱- جستار: مقاله

۲- واهشته: ارث، میراث

۳- دبیره: دیب، دیپ، دبیره، همگی به چه خط و الفبا هستند.

۴- تازی: عربی، از نسل تاز

۵- نوخ: صدر، نخست، اول

۶- هاتا: حتی (تازی شده)

۷- دروغ: در اینجا بهتان، تهمت

۸- زند: شرح، تشریح کردن

۹- نگیزش: توضیح

۱۰- زیگ: جدول. گرچه به چم دانشی نیز هست.

۱۱- هزوار: تفسیر و توضیح دادن، هزوارتن

۱۲- میانرودان: بین النهرین

۱۳- رواج: (تازی شده)

۱۴- سدادار: مصوت (سدا یا صدا واژه ای پارسی است)

۱۵- سهامان: جمله

۱۶- موراگ: عدد، شماره. (واژه ی پارسی باستان دیشتی نیز به چم رقم و اعداد دهدهی- عدد های ۲۱۰... ۹۰۰- می باشد)

۱۷- شایان: ممکن

۱۸- سپور: کامل

۱۹- ترسایی: مسیحی، میلادی

۲۰- گپ: واج، حرف

۲۱- دیبا، دیبا: متن

۲۲- نسک: کتاب، خوشه و دسته نیز می شود. در اینجا کتاب را گوئیم.

۲۳- سنگنبشته ای: کتیبه ای

iran.dahyupat@gmail.com

۲۴- واج انبازی: یکسان و مشترک بودن در یک واج، چند هجا یک واج داشتن را گویند.

۲۵- بُوش: وجود، از بودن

۲۶- تیل: نقطه

۲۷- ویشار: حقیقت

۲۸- ازیراک: اینگونه که، زیرا، زیرا که

۲۹- پهلش: شک، تردید

۳۰- اواری: اداری (تازی شده)

۳۱- فرماتاری: حکومتی

۳۲- نون: حالا، اکنون

۳۳- چم: معنی، معنا

۳۴- پدیشش: توجه، پروا

۳۵- پرگست: دقت، مشاهده

۳۶- ماناک: معنا (تازی شده)

۳۷- همگانی: عمومی، مردمی، آمی

۳۸- همگانی: در این بخش اصلی و حوری برای نگارش خط، برای عموم

۳۹- پرگست: دقت، مشاهده

۴۰- برخ: قسمت، بخش

۴۱- سرتک: سرده، نوع

۴۲- ماتیکان: کتاب

۴۳- شکل: سکه (تازی شده)، شکل به پول و سکه های هخامنشی می گفتند.

۴۴- خرددوشکیه: **نلسووسو (نوسوسو)**، فلسفه، فرزانش

۴۵- سمیره: خط هندسی را گویند. خط ولی نه خط نوشتاری و الفبا چرا که من در برخی نوشته ها دیده ام که این دو را یکی نوشته اند.

۴۶- هنایش: تاثیر

۴۷- هزارش: یک دستور نوشتاری برای دب پهلوی که واژه ها را به آرامی می نوشتند و به پارسی می خواندند. همچون: ملکا می نوشتند شاه می خواندند.

۴۸- فراخ: گسترده، در اینجا جامع

۴۹- کیاناد و خیم: هر دو به چم طبیعت اند.

۵۰- وین: موسیقی، در بندهشن هر آوایی که از ساز برخیزد را گفته است.

۵۱- گیواره: نُت، نت موسیقی

۵۲- هذ، هوده: حق (تازی شده ی هذ پارسی)

۵۳- فرنود: منطق، دانش منطق

۵۴- مزدهایک: ریاضیات، علم حساب، هنگارش و پدکَشگ نیز به همین چم است واژه ی انگلیسی نیز از این واژه ی پارسی است:

مزدهایک (پارسی): **mathematic**

۵۵- همار: حساب، آمار، علم حساب

۵۶- انشاهی: غیر شاهی

۵۷- ترکومان، ترگومان: ترجمه، ترجمان

۵۸ - قاضی

۵۹ - ورستاد: وقف

۶۰ - رسته : طبقه

۶۱ - تیخشود : قشر، اقشار جامعه

۶۲ - اباختری: شمالی

۶۳ - کتابت

۶۴ - پرهیختار: پرهیخت، ادب، ادبیات

بُنمایه ها:

۱- نسک راهنمایی زبان پارسی - دکتر حسن رضایی باغ بیدی

۲- نسک نامه ی پهلوانی - فریدون جنیدی

۳- نسک خرده اوستا - با تفسیر استاد ابراهیم پورداوود

۴- فرهنگ سترگ دهخدا

۵- فرهنگ سترگ معین

۶- جستار ایران کوده ی ، شماره ی ۴- دکتر محمد مقدم

۷- تاریخ و پیشینه ی خط و الفبای پارسی - بهمن انصاری

iran.dahyupat@gmail.com

۸- مرتبه ای دلکش از مانویان - دکتر فرخ حاجیانی

۹- واژه نامه ی پارسی سره - فرهنگستان زبان پارسی

۱۰- جستار الواح مالی و حسابداری و حسابرسی در ایران باستان - عبدالرسول رجبی

۱۱- جستار طراحی فونت خط زبان های ایرانی باستان - مریم حسن خانی

۱۲- جستار آموزش خط پهلوی - فرهاد نیلوفری

www.dahyupat.loxblog.com: نخستین پخش رایا کده ای (نخستین نشر اینترنتی)

ویراست ۱: ۹۳/۲/۱۱